



روش شیخ محمد عبده

در تفسیر مسائل اجتماعی و فقه قرآن

■ دکتر محمود ویسی

مدرس گروه فقه و حقوق شافعی دانشگاه مذاهب اسلامی

mahmoodvaisi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۸

چکیده

شیخ محمد عبده از علمای بنام اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم قمری است. ایشان پس از فراگیری علوم اسلامی به نوگرایی و اصلاح در عالم اسلامی روی آورد که مورد مخالفت قرار گرفت و تبعید شد. وی همچنین در تفسیر قرآن روش جدیدی را برگزید که بر پایه نوگرایی و تجدید بود. از این رو جمعی از علما از جمله محمد رشیدرضا و مصطفی مراغی از آن روش پیروی کردند. شیخ محمد عبده در تفسیر قرآن به مسائل اجتماعی و فقهی توجه بسیاری داشت. ویژگی علامه عبده در رابطه با چگونگی حل معضلات و مشکلات اجتماعی با رویکرد قرآنی، این بود که از کنار هیچ آیه‌ای از آیات قرآن نمی‌گذشت، مگر اینکه اگر نکته‌ای را در رابطه با معالجه امراض مختلف اجتماعی در آن می‌یافت، استخراج می‌کرد. همچنین ایشان در زمینه مسائل مستحدثه فقهی به خصوص معاملات و مناکحات، بر این باور بود که باید باب اجتهاد را گشود، تا بتوان به آنها پاسخ درست و متناسب با مقاصد شریعت داد.

کلیدواژه‌ها: محمد عبده، تفسیر، روش تفسیری، مسائل اجتماعی و فقهی.



طرح مسئله

دعوت‌گران و مجددان مسلمان به ویژه مفسران قرآن، عامل اصلی عقب ماندگی و انحطاط مسلمانان را دوری و بیگانگی آنان از تعالیم حقیقی و آموزه‌های قرآنی می‌دانند. این وضعیت ناشی از خودباختگی و روی آوردن مسلمانان به مصرف‌بی‌رویه و کورکورانه فراورده‌های غربی و عمل مبتنی بر آموزه‌های عقلانی و تجارب بشری می‌باشد. مصلحان مسلمان، راه برون‌رفت از مشکلات و معضلات گوناگون و دستیابی به رشد و سعادت واقعی را در تغییر رویکرد و نگاه مسلمانان به آموزه‌های قرآنی می‌دانند و به قول علامه اقبال لاهوری: «دیدن دگر آموز، شنیدن دگر آموز»^۱ را نصب العین مسیر تحول خود قرار داده و در صددند با گسترش دامنه نفوذ و مشارکت فرامین الهی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و...، وظیفه روشنگری خود را به نیکویی به انجام رسانند. به همین خاطر آشنایی با آموزه‌های قرآنی از دیدگاه مفسرانی چون محمد عبده، نقشی مؤثر در به صحنه آوردن مجدد قرآن و معرفی راهکارهای عملی در راستای ایجاد تغییر و تحول در رویکرد مسلمانان برای فهم دقیق‌تر کلام خداوند ذوالجلال دارد.

زندگی‌نامه شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده در سال ۱۲۶۶ق/ ۱۸۴۵م، در شهر «حصه شبشیر» از شهرهای منطقه غرب مصر تولد یافت. او درباره خود چنین می‌گوید: «اولین چیزی که دریافتم و به آن اندیشیدم، این بود که من چه کسی هستم و پدر و مادرم چه کسانی هستند؟ از همان آغاز برای پدرم، احترامی خاص قائل بودم و از هیبت خاصی در دلم برخوردار بودم؛ چون سنجیده و به ندرت سخن می‌گفت و در حرکات و سکناتش وقار و متانت خاصی داشت. همگان را اکرام می‌کرد و غریبان را پناه می‌داد و دارای عزت نفس بود. اما مادرم بیچارگان را مورد لطف و شفقت قرار می‌داد و این کار را فرمان‌برداری از خداوند می‌دانست. بنابراین آثار تربیت آنان در تمام مراحل زندگی همراه من بود»^۲.

او نخست قرآن را حفظ نمود، سپس به مرکز تدریس در شهر طنطا (از شهرهای مصر) وارد شد و از آنجا به دانشگاه الأزهر رفت. در قاهره با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقات کرد و افکار سید جمال‌الدین سخت او را تحت تأثیر قرار داد. در دارالعلوم و دانشگاه الأزهر به تدریس اشتغال ورزید و شروع به نشر افکار خود درباره آزادی‌خواهی با رویکردی جدید نمود. وی به نوگرایی و اصلاح در عالم اسلامی دعوت کرد

و این امر کینه‌ورزی محافظه‌کاران را برانگیخت و از مقامش عزل گردید. در سال ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۲م به خاطر شرکت در قیام العربیة، تبعید شد و در بیروت و پاریس اقامت گزید. در پاریس دوباره سید جمال را ملاقات کرد و با او مجله «عروة الوثقی» را منتشر کردند. در سال ۱۸۸۹م به مصر بازگشت و مفتی دیار مصر شد و در این منصب باقی ماند. سرانجام در سال ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م در شهر اسکندریه در ۵۷ سالگی از دنیا رفت. او کتابهای بسیاری تألیف کرد. از مهم‌ترین آنها می‌توان «سأله التوحید» و «الإسلام والنصرانیة» را نام برد. وی همچنین در تفسیر قرآن روش جدیدی را برگزید که جمعی از علما از جمله محمد رشیدرضا و مصطفی مراغی از آن روش پیروی کردند.^۳ اگرچه محمد رشیدرضا پس از مرگ استادش، با روش او از جمله تفسیر به مأثور و بیان اقوال فقیهان موافق نبود.

روش شیخ محمد عبده در تفسیر قرآن تفسیر در لغت به معنی کشف و اظهار و آشکار نمودن است و بر کشف حسی و غیر حسی و معنوی دلالت دارد. اما از نظر اصطلاحی عبارت است از توضیح معنی آیه و شأن نزول آن به شکلی که ابهام را از آن بزداید. بنابراین علم تفسیر در میان سایر علوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و شایسته توجه و عنایت بیشتری است.^۴

با بررسی کلی دستاوردهای تفسیری شیخ محمد عبده، با روش تفسیری او آشنا شده و از آن رهگذر با دیدگاههای او پیرامون آموزه‌های قرآنی آشنا می‌شویم.

علامه عبده در آغاز به تفسیر جزء سیم پرداخت که مورد استفاده قرآن‌پژوهان قرار گرفت. او در این تفسیر نهایت کوشش را در تسهیل عبارات و دوری از بیان مسائل خلافی به کار بست، به طوری که در فهم آن نیازی به کسب علوم متداول جز حسن نیت و سلامت نفس نبود. علامه عبده در آغاز ماه محرم سال ۱۳۱۷ق تفسیر قرآن را از ابتدا آغاز کرد و بعد از اتمام آیه ۱۳۶ سوره نساء در نیمه محرم سال ۱۳۲۳ق به سرای باقی شتافت. البته درسهای تفسیرش به وسیله شاگردانش به ویژه محمد رشیدرضا جمع‌آوری شد و در مجله المنار آن زمان به چاپ رسید.

شیخ محمد عبده تنها کسی بود که در میان علمای الأزهر آن زمان اهل تجدید و نوگرایی بود و با هرگونه تقلید کورکورانه مخالفت می‌ورزید. او در تفسیر از روشهای متعددی در بیان مسائل اجتماعی، فقهی و مبهمات قرآن بهره می‌جست. به همین خاطر از عنصر عقل در تحقیقات و پژوهشهایش استفاده می‌کرد

۳. الموسوعة العربية المیسرة، ص ۱۶۶۱.

۴. التعریفات، ص ۲۸؛ تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۴۰۷.

۱. ر.ک: دیوان اقبال، ص ۶۷.

۲. «مذکرات الإمام محمد عبده»، صص ۳۰ و ۳۱.



و هرگز بر روش متقدمان خویش باقی نماند و در بسیاری از موارد با آراء و نظرات آنها به مخالفت عالمانه پرداخت، به طوری که بیشتر اهل علم زمانه‌اش بر او خشم گرفتند و هم‌زمان، دل‌های مریدان و محبان را سوی خود جذب نمود و این همان آزاداندیشی عقلی و انقلاب علیه گذشته بود که بر روش تفسیری عبده سایه افکنده است.

شیخ محمد عبده رویکرد تفسیری خود را در فهم کتاب خدا بر این باور بنا نهاده بود که این کتاب دینی است که انسانها را به سوی آنچه که سعادت دنیا و آخرت را دربر دارد، فرا می‌خواند؛ چون معتقد بود که مقصد والای قرآن تأمین سعادت دنیا و آخرت انسانهاست و هر چیز دیگر را خادم نیل به این هدف می‌دانست.

او این اصل را اساس رویکرد تفسیری و فهم آموزه‌های قرآنی خویش قرار داده بود و انتقاد خود را متوجه مفسرانی نمود که این اصل مسلم و مهم قرآنی را مغفول گذاشته و بیشتر مشغول بررسی نکات بلاغی و نحوی و فقهی بودند.

شیخ محمد عبده قائل به دو گونه تفسیر بود:

۱. تفسیری که میان خوانندگان و خدا و کتابش فاصله می‌اندازد و بیشتر به تحلیل الفاظ قرآن و اعراب جملات و اشارات و نکته‌های فنی می‌پردازد که شایسته نیست نام تفسیر بر آن نهاده شود، بلکه نوعی تمرین فنون نحوی و بلاغی و غیر آنهاست.

۲. تفسیری که مفسر متوجه فهم مقصود از کلام شده است و بکوشد تا حکمت تشریح عقاید و احکام را دریابد، به طوری که بتواند دلها را جذب هدایت ربانی نموده و انگیزه عمل به هدایت را قوت بخشد. البته این به آن معنی نیست که شیخ محمد عبده پرداختن به جوانب فنی و بلاغی را مغفول گذاشته است، بلکه می‌خواهد اهمیت توجه به این جنبه را گوشزد کند. همچنین در رابطه با محوریت قرآن، شیخ عبده بر این باور است که قرآن پیرو چیزی یا کسی نمی‌شود، بلکه همه کس و همه چیز با میزان قرآن مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه عقیده از قرآن گرفته می‌شود، بنابراین اصحاب مذاهب نباید آراء و نظرات خود را در حوزه‌های مختلف بر قرآن تحمیل و آیات را به نفع مذهب خود تأویل کنند.^۵

ویژگیهای تفسیری شیخ محمد عبده

از آموزه‌های بسیار ارزشمند قرآن از نگاه شیخ محمد عبده این است که می‌گوید: اگر باورها و اعتقادات خود را بر قرآن عرضه کنیم؛ متوجه میزان هدایت یافتگی یا گمراهی خود می‌شویم. اما اگر نظر خود را بر قرآن تحمیل کنیم، میزان به هم می‌ریزد و قادر

مفسران نگفته بودند، مورد بحث قرار می‌داد.^۷

از دیگر ویژگیهای تفسیری او که بیانگر دیدگاهش پیرامون آموزه‌های قرآنی است، اعتماد بر عقلانیت در تفسیر قرآن بود و آنچه را می‌پذیرفت که با عقل و قلبش موافق بود. قبل از درس تفسیر به هیچ تفسیری مراجعه نمی‌کرد، مبادا در تفسیرش از اقوال سایر مفسران متأثر شود و به ندرت به تفاسیر دیگر توجه می‌نمود. به تفسیر جلالین اعتماد داشت و با نگاهی نقادانه آن را مطالعه می‌کرد.^۸ نگارنده بر این باور است که در یک جمله می‌توان روش تفسیری او را به این صورت خلاصه نمود و آن اینکه در تفسیر معتقد به خوشه چینی نبود، بلکه اهل ابداع و خلاقیت و باغبانی بود. او بر این باور بود که خداوند در روز قیامت از کلام مردمان و آنچه فهمیده‌اند، سؤال نمی‌کند، بلکه از کتابی می‌پرسد که برای ارشاد و هدایت نازل فرموده است، اینکه آیا رسالت من به شما رسید؟ یا در آنچه به شما رسید تدبیر ورزیدید؟ آیا به راهنماییهای قرآن عمل کردید؟ آیا از ارشادهای پیامبر بهره بردید؟^۹

همچنین در رابطه با فهم درست از قرآن می‌گوید: مقصود من از فهم صحیح، فهمی برخاسته از ذوقی سلیم می‌باشد که از مباحث شگفت‌انگیز و ارزشمند قرآن سرچشمه گرفته باشد و صاحبش را چنان تحت تأثیر قرار دهد که از همه چیز فاصله بگیرد و با قرآن مأنوس و مألوف گردد.^{۱۰} تا بتواند به قول سنایی غزنوی جمال عروس دلربای قرآن را نظاره کند:

عروس حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد/ که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا
عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز نقشی/ که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا.^{۱۱}

۶. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۸۴.

۷. تفسیر المنار، ج ۵، ص ۸۳، با تصرف و تلخیص.

۸. همان، ج ۱، ص ۵۹.

۹. همان، ج ۱، ص ۲۶.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۵.

۱۱. دیوان سنایی، ص ۴۳۲.

۵. تفسیر المنار، ج ۱، صص ۲۴ و ۲۵.



روش تفسیری شیخ محمد عبده پیرامون مسائل اجتماعی

ویژگی علامه عبده در رابطه با چگونگی حل معضلات و مشکلات اجتماعی با رویکرد قرآنی، این بود که از کنار هیچ آیه‌ای از آیات قرآن نمی‌گذشت، مگر اینکه اگر نکته‌ای را در رابطه با معالجه امراض مختلف اجتماعی در آن می‌یافت، استخراج می‌کرد. به عنوان نمونه در رابطه با آیه «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^{۱۲} می‌گوید: صبر ملکه‌ای در نفس است که تحمل مشقتها و رضایت به آنها را آسان می‌کند. او معتقد بود که صفت صبر اساس همه کمالات اخلاقی است و هیچ مصیبتی ناخوشایندتر از فقدان یا ضعف صبر در انسان نیست؛ زیرا هر امتی که صبر نداشته باشد، همه چیز در او به ضعف می‌گراید و تمام مظاهر قدرت و توانمندی را از دست می‌دهد. همچنین پیرامون وسایل دعوت به سوی خیر می‌گوید: بر علما واجب است که به مقتضای حال و زمان، علل پیشرفت و انحطاط تمدنها را بازشناسند و در راستای ایجاد آشتی میان عقل و نقل و بازگرداندن نفوس از مسیر شقاوت به سوی سعادت و استفاده از تکنولوژی جدید در راستای تبلیغ و دعوت به سوی دین خدا گامهای مؤثر بردارند.^{۱۳}

چنان که گفته شد، علامه شیخ محمد عبده از مصلحان و مجددان معاصر به شمار می‌رود که رویکردهای تفسیری او برگرفته از دعوت به تجدید در دین است. خلاصه دعوت او به تجدید در دین، در دو امر تجلی می‌یابد: ۱. آزادسازی افکار و اندیشه‌ها از قید و بند تقلید کورکورانه و فهم دین از منابع اصلی‌اش یعنی کتاب و سنت صحیح ۲. گشودن باب اجتهاد؛ چون دعوت او به تجدید دین به معنی تغییر دادن اصول اسلام نبود، بلکه مقابله با جهل و خرافات و استفاده از هر قدیم اصیل و هر جدید مفید بود.^{۱۴}

از همین رهگذر، می‌توان به مواردی از دیدگاههای تجدیدی وی اشاره کرد که شامل بیان آموزه‌هایی قرآنی است: به عنوان مثال در رابطه با عبارت «مَنْ قَرِيبٌ» در آیه ۱۷ سوره نساء می‌گوید: منظور از «مَنْ قَرِيبٌ» زمانی است که شهوت و هوای نفس تنزل پیدا می‌کند یا شعله‌های خشم و غضب فروکش می‌کند و عقل و دین شخص تائب بازمی‌گردد. به عبارتی، منظور زمان پس از گناه است؛ یعنی انسان مؤمن بعد از ارتکاب گناه به سرعت نادم شود و بدون تأخیر توبه کند. حال اگر گناه در

آستانه مرگ واقع گردد و بلافاصله بعد از آن توبه صورت پذیرد، قابل قبول است و این معنا از آیه «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ»^{۱۵} گرفته و عدم تأخیر در توبه از آیه «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ»^{۱۶} فهمیده می‌شود. اما عدم پذیرش توبه بعد از ارتکاب گناهان متعدد، از آیه «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ»^{۱۷} فهمیده می‌شود که مقایسه لفظ «السُّوء» در آیه قبل و کلمه «السَّيِّئَاتِ» در این آیه، نشان دهنده ارتکاب گناهان بی‌شمار است.^{۱۸}

روش تفسیری شیخ محمد عبده در بیان مسائل فقهی

شیخ محمد عبده در زمینه مسائل مستحدثه فقهی به خصوص معاملات و مناکحات، بر این باور بود که باید باب اجتهاد را گشود، تا بتوان به آنها پاسخ درست و متناسب با مقاصد شریعت داد. به عنوان نمونه در رابطه با حکم بیمه عمر از لحاظ فقهی می‌گوید: اگر چنین عقدی میان شرکت بیمه‌گر و فردی منعقد گردد مبنی بر اینکه فرد به طور اقساط مبلغی را به آنها بپردازد و بعد از اتمام اقساط، سرمایه خود را با سود حاصله از تجارت شرکت بیمه‌گر در صورت حیات، خود تحویل بگیرد و بعد از خود به ورثه برسد؛ جایز است و از نظر شرعی اشکال ندارد.^{۱۹} در رابطه با مناکحات، مسئله اشتراط نیت در طلاق صریح را لازم می‌داند؛ زیرا دلیلی جدی بر عزم راسخ مرد در طلاق دادن زن است و با این رأی، مخالفت خود را با سایر علما که قائل به اشتراط نیت در طلاق صریح نیستند، اعلام نمود. همچنین در مورد مست، مُکره، هازل و مُخطئ قائل به عدم وقوع طلاق آنهاست؛ چون واقع شدن طلاق آنها با روح شریعت منافات دارد. او می‌گوید: نمی‌توانم بپذیرم که طلاق به مجرد تلفظ به یک کلمه واقع شود، هر چند صریح هم باشد، مگر اینکه الفاظ دلیلی صادق بر وجود نیت باشند، نه آنچه فقها گفته‌اند که طلاق همان تلفظ به حروف (ط.ل.ا.ق) می‌باشد و به همین علت کتابهای فقهی مملو از الفاظ طَلَّقْتُک، أَنْتِ طَالِقٌ، عَلَيَّ الطَّلَاقُ و ... می‌باشند. او می‌گوید: طلاق از لحاظ اهمیت مانند ازدواج است؛ زیرا خداوند در مورد ازدواج می‌فرماید: «وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ»^{۲۰} عزم در آیه عبارت از عقد قلبی بر انجام فعل

۱۵. شوری، ۲۵.

۱۶. نساء، ۱۷.

۱۷. نساء، ۱۸.

۱۸. تفسیر المنار، ج ۴، ص ۴۴.

۱۹. مجله حمامة، شماره ۴۶۰، ص ۵۶۳.

۲۰. بقره، ۲۳۵.

۱۲. عصر، ۳.

۱۳. تفسیر جزء عم، ص ۱۴۷؛ مجموعه تفسیر الفاتحه و ست سور من خواتیم القرآن، صص ۸۷-۸۹.

۱۴. تجدید الخطاب الدینی بین المفهوم الاسلامی و المفهوم التغریبی، صص ۲۴۰-۲۴۵.

است و در مورد طلاق هم می‌فرماید: «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۲۱} یعنی همچنان که عزم در ازدواج لازم است، در طلاق هم لازم است؛ چرا که ما در زمانی قرار داریم که مردان حرمت ازدواج را نگه نمی‌دارند و طلاقها بدون قصد و عزم واقع می‌شود و همان‌طور که می‌دانیم فراق و جدایی ضربه‌ای مهلک بر پیکر خانواده است. پس همچنان که وجود شاهد، شرط صحت وقوع نکاح است، باید شرط صحت وقوع طلاق هم قرار بگیرد. با توجه به آنچه که از آیه «ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^{۲۲} قابل استنباط است، آیا این آیه فرمان صریح به گرفتن شاهد را دربر ندارد، در مواردی که پیش از آن از قبیل طلاق و رجوع از طلاق و امساک و فراق آمده است؟ و در نهایت شیخ عبده پیشنهاد می‌کند که طلاق زمانی صحیح است که در حضور قاضی و دو شاهد واقع شود.^{۲۳}

نتیجه‌گیری

۱. دیدگاه تفسیری شیخ محمد عبده در استنباط و استخراج آموزه‌های قرآنی، نیاز عصر ماست؛ زیرا ایشان از کنار هیچ آیه‌ای از آیات قرآن نمی‌گذشت، مگر اینکه اگر نکته‌ای را در رابطه با معالجه امراض مختلف اجتماعی در آن می‌یافت، استخراج می‌کرد. بنابراین برای آوردن قرآن به صحنه و رهاندنش از

۲۱. بقره، ۲۲۷.

۲۲. طلاق، ۲.

۲۳. الأعمال الكاملة، ج ۲، صص ۱۱۴-۱۲۳، با تلخیص و تصرف.

کتابنامه

مهوریت، به قول علامه اقبال لاهوری باید «دیدن دگر آموخت و شنیدن دگر آموخت».

۲. نوگرایی و تجدید، یکی از مهم‌ترین مبانی و اصول تفسیری شیخ محمد عبده است و او در جای جای درسهای تفسیر و دیگر آثارش به تبیین و تعلیل ضرورت آن می‌پردازد.

۳. ایشان با ارائه دلایل متعدد و نمونه‌های متنوع و مکرر، بر آن است مخاطبان خود را قانع سازد که قرآن کتاب دیروز، امروز و فردای جامعه بشری است. بنابراین با این نگاه به تعامل با قرآن پرداخت و توانست آنچه را که پاسخگوی نیازهای گوناگون بشری است، در قالب آموزه‌های عملی قرآن به نسل ما تقدیم نماید.

۴. دیدگاههای تفسیری و فقهی متجددانه شیخ محمد عبده از غنای ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند موضوع تحقیقهای گوناگون قرار گیرد. ایشان در زمینه مسائل مستحدثه فقهی به خصوص معاملات و مناکحات، بر این باور بود که باید باب اجتهاد را گشود، تا بتوان به آنها پاسخ درست و متناسب با مقاصد شریعت داد.

۵. چگونگی تطبیق و عملی ساختن آموزه‌های قرآنی، در گرو فهم دقیق آنهاست. همچنین استفاده از نگاه توسعه یافته شیخ محمد عبده در استنباط این آموزه‌ها، بسیار رهگشاست.

۱. قرآن کریم.
۲. اقبال لاهوری، محمد، دیوان اقبال، تهران، انتشارات پگاه، ۱۳۶۱ش.
۳. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، تهذیب اللغة، مصر، ۱۳۷۷ق.
۵. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، دارالأرقم، بی تا.
۶. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، دارالفکر، بی تا.
۷. سنایی، ابوالمجدد مجدود بن آدم، دیوان سنایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶ش.
۸. شریبئی، أسامة إبراهيم محمود، تجدید الخطاب الدینی بین المفهوم الاسلامی و المفهوم التغریبی، دارالوفاء، ۲۰۱۰م.
۹. طناجی، طاهر، «مذکرات الإمام محمد عبده»، کتاب الهلال، شماره ۵۰۷، ۱۹۹۳م.
۱۰. عبده، محمد، الأعمال الكاملة، تحقیق: محمد عماره، دارالشروق، چاپ اول، ۱۹۹۳م.
۱۱. همو، تفسیر جزء عم، بی تا.
۱۲. همو، مجموعة تفسیر الفاتحه و ست سور من خواتیم القرآن، بی تا.
۱۳. عک، خالد عبدالرحمن، أصول التفسیر و قواعد، بیروت، دارالنفاثین، ۱۹۸۶م.
۱۴. مجله محاماة، اصدار نقابة المحامين بجمهورية مصر العربية، سال پنجم، شماره ۴۶۰.
۱۵. الموسوعة العربية المیسرة، قاهره، ۱۹۶۵م.

